

نقش و چگونگی رهبری حضرت امام خمینی ره در بسیج مردمی در فرآیند انقلاب اسلامی

مهدی نادری^۱
عباس نوری^۲

چکیده

میزان توفیق یا عدم توفیق نهضت‌های انقلابی تا حد قابل توجهی به میزان بسیج توده‌ها در روند مبارزات انقلابی بستگی دارد. در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، توده مردم نقش بسزایی ایفاء کرده‌اند. با این حال، فهم بازیگری مردم در روند انقلاب، بدون شناخت نقش عنصر رهبری و چگونگی آن، در جهت‌دهی و بسیج‌گری مردم ممکن نیست. این مقاله با روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی درصدد پاسخ به این سوال اصلی است: «امام خمینی ره به عنوان رهبر انقلاب اسلامی چگونه مبادرت به بسیج مردم در فرآیند انقلاب کرد؟».

امام خمینی ره به عنوان رهبر و استراتژیست انقلاب، محور برنامه مبارزاتی خود را بر بیدارسازی و آگاهی بخشی به مردم استوار کرد و در راستای بسیج مردم، اقدام به اتخاذ استراتژی‌هایی نظیر همذات پنداری با مردم و اعتماد به آنان، بهره‌گیری از ادبیات و آیین‌های نمادین مذهبی برای بسیج سیاسی مردم، تأکید بر ارتباطات و آگاهی‌بخشی، مردم‌گرایی و مقاومت منفی و تأکید بر عدم خشونت کرد.

mahdinaderi35@gmail.com
abasnori64@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

۱- استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)
۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد تهران
تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸

واژگان کلیدی

رهبری، بسیج مردمی، امام خمینی، انقلاب اسلامی.

مقدمه

انقلاب یکی از تحولات بزرگ اجتماعی است که آثار و نتایج پنهان و آشکار آن در دگرگونی و تغییر جوامع بسیار تأثیرگذار است. بنا به تعریفی «انقلاب حرکت جمعی توده‌ای خشونت‌بار سیاسی کم و بیش طولانی و فراقانونی است که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود» (پناهی، ۱۳۹۳؛ ۳۷). انقلاب‌ها در جوامع بر اساس شرایط و ارکان خاصی به وقوع می‌پیوندند که رهبری، حضور مردمی، ایدئولوژی و سازمان به عنوان ارکان انقلاب محسوب می‌شوند.

نقش رهبری و تعامل تدریجی آن با نیروهای انقلابی در مراحل مختلف اعم از زمینه‌های شکل‌گیری و پیروزی انقلاب و همچنین استقرار دولت انقلابی نقش موثری دارد. به عبارت دیگر در صورت نبود عنصر رهبری در قالب انواع رهبران انقلابی، انقلاب شکل نمی‌گیرد و به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. به طور کلی در فرآیند انقلاب‌ها، رهبران دارای چهره و وظایف متفاوتی هستند که هر کدام به فراخور توانایی خود بخشی از وظایف رهبری را در مراحل مختلف انقلاب انجام می‌دهند. به‌طور کلی سه چهره متفاوت از رهبری در انقلاب‌ها با ویژگی‌ها و مشخصات متمایز قابل تصور است. برخی از رهبران چهره‌ی ایدئولوگ یا نقش نظریه‌پردازی درباره‌ی مکتب فکری و یا طراحی انقلاب را دارا هستند. برخی از آن‌ها نقش فرمانده عملیاتی انقلاب را به عهده دارند. بعضی از رهبران هم بعد از پیروزی انقلاب در نقش معمار جامعه انقلابی ظاهر می‌شوند (محمدی، ۴۵: ۱۳۸۷). از آنجا که هدف این مقاله بررسی رهبری بسیج‌گر امام و چگونگی بسیج مردمی است به بعد دوم رهبری در فرآیند انقلاب پرداخته می‌شود.

با وجود جنبش‌های متعدد در ایران، نقش بسیج مردم و گروه‌ها و منابع بسیار مهم است و از آن‌جا که مشارکت مردمی در قیام خود مستلزم وجود رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است، در نتیجه مطالعه‌ی نقش رهبر بسیج‌گر در انقلاب بسیار حائز اهمیت است. به تعبیر دیگر رهبران انقلاب مسائل را از شرایط عینی جامعه برجسته کرده و مورد تأکید قرار می‌دهند تا بدان وسیله گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه را بسیج کنند و همچنین آنان دارای مهارت در برانگیختن توده‌ها به عمل سیاسی هستند و از ابزارها و تاکتیک‌ها و شیوه‌هایی بر اساس ایدئولوژی انقلابی مطرح شده، استفاده

می‌کنند تا بتوانند در طول دوران مبارزات سیر حرکت انقلابی را مستمر سازند. امام خمینی در بحبوحه جریان‌های انقلابی و درگیری با نظام حاکم به عنوان رهبر عملیاتی نقش اساسی در بسیج انقلابی اقشار مختلف مردم و هدایت آنان به سوی اهداف انقلابی ایفا نمود. (احمدی، ۱۰۶: ۱۳۸۹). ایشان به عنوان رهبر انقلاب ایران، با اتخاذ از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین شیوهی مبارزاتی اسلامی را برای سرنگونی شاه و ایجاد حکومت اسلامی انتخاب نمودند و با تشخیص شرایط مناسب و حرکت انقلابی توده‌ای مردم، قیام ایران اسلامی را رهبری و هدایت کردند که در زمان نسبتاً کوتاه و بدون استفاده از خشونت و اسلحه بسیج عمومی گسترده‌ای را در ایران به وجود آوردند. گستردگی و وسعت بسیج مردمی در انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌ها بی‌نظیر است. نظر به اهمیت این مسئله در حوزه مطالعات انقلاب‌ها، نگارنده با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی درصدد پاسخ به این سوال اصلی است: «امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی چگونه مبادرت به بسیج مردم در فرآیند انقلاب کرد؟».

الف) مفاهیم و مبانی نظری

۱. بررسی مفاهیم

انقلاب: عبارت است از دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی (طبقاتی) نخبگان سیاسی حاکم که پس از سرنگونی رژیم به وسیله‌ی یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی به قدرت می‌رسند. به عبارت دیگر انقلاب یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی است که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۳: ۳۷)

بسیج: «بسیج روندی است که در آن یک واحد اجتماعی به سرعت بر منابعی که پیشتر بر آن‌ها کنترل نداشته است، کنترل پیدا می‌کند.» (بشیریه، ۱۳۸۷: ۷۹)

رهبران انقلاب: رهبر کسی است که قدرت جذب و نفوذ در پیروان را دارد و از آنجا که انقلاب یک حرکت جمعی است به طور کلی به دو گروه رهبران و پیروان تقسیم می‌شود. در تعریف رهبران انقلاب می‌توان گفت رهبران کسانی هستند که در سطح مختلف جنبش نقش تشویق‌کننده، آگاهی‌دهنده، سازماندهی، بسیج، تامین منابع، جهت دادن و ایجاد وحدت بین مردم را ایفا می‌کنند. تعداد محدود رهبرانی که در رأس جنبش انقلابی قرار دارند، تعیین کنند. شاید مهم‌ترین نقش رهبران برجسته یک جنبش ایجاد وحدت بین انقلابیون و مردم و تعیین راهبرد عمل انقلابی باشد.

ب) مبانی نظری: نقش رهبری در فرایند بسیج انقلابی

درباره‌ی فرآیند انقلاب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عبارتند از: ۱. نظریه‌های ساختارگرایی انقلاب ۲. نظریه‌های روش‌شناختی انقلاب ۳. نظریات که حالت بینابینی دارند و نقش کم یا بیشتری به عامل رهبری در فرآیند انقلاب نسبت می‌دهند. (پناهی، ۳۷۷: ۱۳۹۳)

۱. دیدگاه ساختارگرایی

این دیدگاه شامل نظریات مارکسیستی و کارکردگرایی است که نقش مهمی برای رهبر در جنبش انقلابی قائل نیستند و نقش آن را تابع ساختارها می‌دانند. در نظریات مارکسیستی، انقلاب وسیله‌ی تحول از یک شیوه تولید به شیوه‌ی تولید بعدی است، لذا رهبران باید نزد توده‌ها رفته و خواسته‌های آن را در نظر بگیرند. اما در دیدگاه کارکردگرایی نقش رهبری تابع ساختار جامعه است، بر این اساس ابتدا ساختار جامعه دچار بحران و تنش می‌شود سپس برای ظهور رهبرانی آماده می‌شود. «به عبارت دیگر، اگر مشکلات ساختاری در جامعه وجود داشته باشد، برای چاره‌جویی آن رهبران موردنیاز ظهور خواهند کرد» (پناهی، ۳۷۷: ۱۳۹۳).

۲. دیدگاه روان‌شناختی

در این دسته نظریات، رهبران نقش اساسی در فرآیند انقلاب داشته و نخبگان نقش تعیین کننده در جریان انقلاب و بسیج توده‌ای دارند. آنان معتقدند رویدادهای جامعه همچون انقلاب به تصمیمات و اقدامات و احساسات آن‌ها بستگی دارد. در واقع تعدادی از اندیشمندان اجتماعی نخبه‌گرا هستند و نقش اساسی را در فرآیندهای دگرگونی اجتماعی از قبیل انقلاب، به نخبگان و روابط بین آنان نسبت می‌دهند. (پناهی، ۳۷۹: ۱۳۹۳)

۳. دیدگاه بینابینی**۳-۱. دیدگاه اریک هافر**

عده‌ای معتقد هستند «آن‌گاه که زمینه آماده شد، حضور یک رهبر برجسته ضروری است زیرا بدون او جنبش در کار نخواهد بود» (پناهی، ۳۸۲: ۱۳۹۳). یکی از کسانی که در دسته سوم، نظریات خود

را مطرح می‌کند اریک هافر است. او درباره رهبر چنین می‌گوید «رهبر مظهر قاطعیت یک آیین و شکوه قدرت است. رهبر خشم انباشته در روح و جان ناامیدان را بیان و توجیه می‌کند» (هافر، ۱۳۳: ۱۱۳۷۲). هافر سه نوع رهبران انقلابی را از هم تمییز می‌دهد.

دسته اول سخنوران و نظریه‌پردازان، که کارشان زمینه‌سازی فکری انقلاب و گسترده کردن نارضایتی و همچنین سیاسی کردن نارضایتی و کاستن از مشروعیت نظام حاکم و نشان دادن جامعه آرمانی است. (پناهی، ۳۸۲: ۱۳۹۳) او نقش سخنوران در انقلاب را این طور مطرح می‌کند که به طور نامحسوس نهادهای مستقر را تضعیف، قدرتمندان را بی‌اعتبار، باورها و وابستگی‌های موجود را کم اثر و زمینه را برای ظهور یک جنبش مهیا می‌کند. یکی از ویژگی‌های چشمگیر نظریه‌پردازان انقلاب که نقش رهبری بر عهده دارند، آمادگی آنان به تقلید از دوست و دشمن و الگوهای گذشته معاصر است. شهادتی که لازمه این نوع رهبری است همان قدر که شهادت در تقلید را دربرمی‌گیرد، جسارت در سرپیچی از جهان را شامل می‌شود. دومین نوع رهبران از نظر هافر، متعصبان تندرو هستند که عملاً جنبش را به راه می‌اندازند و نظام حاکم را سرنگون و نظام جدید را ایجاد می‌کنند. این رهبران مانند فرماندهان به صف‌بندی‌ها دامن می‌زنند و بین دوست و دشمن خط‌کشی می‌کنند و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نمایند و به تعارضات دامن می‌زنند. (پناهی، ۳۸۲: ۱۳۹۳) این چنین رهبران عرصه‌ی باورسازی را برای تحقق از خود گذشتگی و عمل متحد کاملاً ضروری می‌داند. آنان شور پیوند و حس رهایی از یک وجود فردی ناچیز و پوچ را برمی‌انگیزند. البته افراد برخوردار از زندگی بی‌ثمره و ناامن، سرسپردن به آستان یک رهبر عالی‌مقام که قدرت فرماندهی دارد رهیافتی بر آرمان برابرخواهی و عدالت آنان است، را اطاعت می‌کنند. نوع سوم رهبران، مردان عمل هستند که ظهور آنان معمولاً حاکی از پایان مرحله پویایی جنبش است. جنگ اکنون پایان یافته است و مردان واقعی عمل، تصمیم دارند که تصرف کننده انقلاب شوند. دغدغه‌های عمده یک مرد عمل به عنوان بنیانگذار انقلاب در تثبیت امر انقلاب است. مرد عمل یا رهبر بنیانگذار انقلاب با روش‌هایی اختیار را به دست می‌گیرد و با قدرت مخالفت‌ها را سرکوب می‌کنند و نهادها و سازمان‌هایی را برای هدف ذکر شده ایجاد می‌کند تا بتواند مخالفان و ناراضیان را از میدان بیرون کند. نتیجه‌ای که می‌توان از نقش رهبران در نظریه اریک هافر گرفت این است که رهبران متنوع انقلابی برای طراحی ایدئولوژی انقلاب، توصیف و تبیین نابسامانی‌های موجود جامعه، پاگرفتن و رشد شکوفایی بسیج توده‌ای، حفظ وحدت بین رهبران انقلابی، جهت دادن به کنش انقلابی، امید دادن به مردم در جهت نابودی نظام حاکم و رفع نابسامانی‌های موجود جامعه، ترسیم نمای دلپذیر از

جامعه، نقش اساسی ایفا می‌کنند. در این دیدگاه، بدون وجود رهبران جنبش یا انقلاب اصلا پا نمی‌گیرد و یا در صورت بروز انقلاب، با شکست روبرو می‌شود. اما باید دانست که رهبران با وجود شرایط انقلابی و زمینه‌های لازم برای یک جنبش فراگیری توده‌ای و یا انقلاب، می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. (پناهی، ۳۸۳: ۱۳۹۳)

۳-۲. دیدگاه بشیریه

نویسنده کتاب «انقلاب و بسیج سیاسی» ضمن تأیید نقش مهم رهبران انقلابی در فرآیند انقلاب و بسیج توده‌ها، سه نوع رهبران انقلابی برمی‌شمارد که عبارتند از: ۱. رهبران فکری یا ایدئولوژی‌پرداز ۲. رهبران بسیج‌گر ۳. رهبران سیاست‌گذار و مدیر. که هر کدام از آن‌ها در مرحله‌ای خاص نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. به اعتقاد بشیریه، این‌گونه رهبران با راه انداختن جنبش انقلابی، قدرت را به دست می‌آورند. بدون رهبران توانمند و آگاه به شرایط جامعه و مردم و جهان، هیچ جنبش انقلابی نمی‌تواند پیروز گردد. از این‌رو، نقش رهبر در فرآیند انقلاب مهم است. مهمی دارد. رهبری فرهمند در فرآیند انقلاب ظهور می‌کند و توده‌ها نیز به او و ایدئولوژی او اعلام وفاداری و اعتماد کامل دارند و نسبت به او و برنامه و خواسته‌هایش فداکاری می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۲: ۹۲)

۴. رهبری حضرت امام خمینی ره در انقلاب اسلامی

۴-۱. بسیج‌گری حضرت امام خمینی در انقلاب اسلامی

با توجه به دیدگاه هافمر، نقش رهبر اصلی انقلاب در جنبش بسیار اساسی و سرنوشت‌ساز است. اگر او مورد اعتماد مردم نباشد نمی‌تواند بین انقلابیون وحدت و هماهنگی لازم ایجاد کند و بسیج فراگیر و وسیع مردمی شکل دهد و نیروی عظیمی برای مقابله با رژیم حاکم به وجود آورد. رهبر به صفت بندی‌ها دامن زده و بین دوست و دشمن خط کشی می‌کند و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نماید و به تعارضات دامن می‌زند.

امام خمینی ره در طول قیام مردم علیه رژیم شاه، با مطرح کردن آرمان‌های انقلاب، مردم را برای فداکاری و جانفشانی برای تحقق آن آرمان‌ها آماده می‌کرد. امام به وسیله‌ی پیام‌های سخنرانی خود ابتدا مردم را آگاه می‌کردند و با بسیج توده‌ای مردم به انواع فعالیت‌های جمعی مانند تظاهرات، راهپیمائی، رأی دادن تشویق می‌نمودند. ایشان با استفاده از ایدئولوژی مکتب اسلامی احساسات توده‌ها را تحریک و آنان را نسبت به موضوع خاص حساس و بسیج می‌کردند. امام خمینی ره علاوه

بر آن که طراح اصلی ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود، در بسیج اقشار مختلف و هدایت به سمت اهداف انقلاب که نابودی رژیم بود نقش مهمی داشتند. از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبری ایشان در این دوره می‌توان به تکیه بر حضور همه جانبه طیف‌ها و اقشار و اقدام در جهت بسیج آن‌ها، بسیج نخبگان در جهت به کرسی نشاندن و حاکم کردن ایدئولوژی اسلام و هم‌چنین بسیج احزاب مختلف و نهادها و ... اشاره کرد. (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۲۰۵)

بنابراین امام خمینی علیه السلام شرایط ذهنی مردم را برای مشارکت جدی در فرآیند انقلاب و فداکاری و ایثارگری برای اهداف آنان آماده کردند، و با مطرح کردن راه‌های رسیدن به اهداف، ایجاد اتحاد و یکپارچگی و روحیه فداکاری و از جان گذشتگی را تسهیل می‌کردند که در نتیجه‌ی آن بسیج توده‌ای فراگیری در تمام جامعه امکان‌پذیر شد و انقلاب با سرنگونی رژیم به پیروزی رسید.

۲-۴. نقش بی‌بدیل امام خمینی در بسیج انقلابی

به عقیده بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، رهبری امام خمینی مهم‌ترین عنصر در پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. امام خمینی علیه السلام تمام خصوصیات لازم برای رهبری و ایجاد وحدت در بین اقشار مختلف ضد قدرت حاکم و تشکیل ائتلافی بین مخالفان برای مبارزه علیه حکومت را دارا بود. امام به عنوان شخصیتی فراجناحی، طیف‌هایی گوناگون را در جهت یک هدف واحد؛ یعنی براندازی رژیم شاه بسیج نمود. (زیباکلام، ۱۳۸۰: ۱۱۵)

امام خمینی با هدف قرار دادن سیاست‌های دین (اسلام) ستیزانه‌ی رژیم، علت اصلی انقلاب اسلامی را انگیزه‌های معنوی و دینی عنوان نموده و عوامل دیگر را در اولویت بعدی قرار می‌دهند. (فوران، ۱۳۸۷: ۵۲۹) ایشان بر سیاست‌های رژیم نقد اساسی و همه جانبه داشتند و رژیم را در موارد بسیاری از جمله فساد، عمل نکردن به قانون، برخورد و مقابله شدید با احزاب و مطبوعات سیاسی، بی‌توجهی به کارگران و روستائیان، عدم رسیدگی به نیازهای اقتصادی و اساسی تاجران، از بین بردن استقلال دانشگاه، دستکاری در انتخابات، ترویج و تبلیغ غرب‌گرایی، اعطای امتیازات ننگین به امریکا مانند کاپیتولاسیون، فروش نفت ارزان به رژیم اسرائیل و اموری دیگر از این قبیل متهم می‌نمایند. (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۳۸۹) ایشان تلاش کردند اغلب گروه‌های مخالف با رژیم را (به جز یک یا دو گروه) همراه و همسو با خود نمایند؛ در عین حال به این نکته توجه داشتند تا برای جلوگیری از سو استفاده گروه‌ها به گروه یا طیفی بیش از اندازه نزدیک نشوند. (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۴۴۲)

نقش امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی شامل سه بعد می‌شود: ۱. ایدئولوگ یا نظریه-

پردازی ۲. بسیج‌گری یا عملیاتی ۳. بنیان‌گذاری یا مدیریت. نقش بسیج‌گرایانه امام خمینی در سال ۱۳۵۶ و با حرکت انقلابی توده‌های مردم آغاز شد. امام خمینی در طول قیام مردم بر علیه رژیم شاه با مطرح کردن آرمان‌های انقلاب، آنان را برای فداکاری و جانفشانی برای تحقق آن آرمان‌ها آماده می‌کردند. ایشان به وسیله‌ی پیام‌های سخنرانی خود ابتدا مردم را آگاه می‌کردند و با بسیج توده‌ای مردم به انواع فعالیت‌های جمعی مانند تظاهرات، راهپیمائی، رأی دادن تشویق می‌کنند. ایشان در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود علاوه بر اینکه اقدامات مستبدانه رژیم را مطرح می‌کردند، به مردم نیز امیدواری و نوید پیروزی می‌دهند و با دعوت آنان به وحدت و یگپارچگی، هرگونه بی‌تفاوتی و سکوت در مقابل رژیم را به شدت مورد انتقاد قرار داده و برخلاف مصالح عالیله اسلام می‌دانستند. ایشان با استفاده از ایدئولوژی مکتب اسلامی احساسات توده‌ها را تحریک و آنان را نسبت به موضوع خاص حساس و بسیج کنند. امام خمینی علاوه بر آن که طراح و متفکر ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود، نقش به‌سزایی نیز در بسیج اقشار مختلف و هدایت آنان به سوی اهداف انقلاب که نابودی و سقوط رژیم بود، داشتند.

امام خمینی به عنوان یک رهبر بسیج‌گر از یک سو توانست از فضای فرهنگی خاصی که از حیث مذهب‌گرایی در دهه ۴۰ و ۵۰ به وجود آمده بود استفاده کند و از سویی دیگر نیز با آگاهی دادن به مردم و معرفی پیامدهای منفی و ناگوار برنامه‌نوسازی رژیم موفق شد، به عنوان یک شخصیت آرمانی مورد قبول همه‌ی گروه‌ها و همچنین انبوه توده‌ها قرار گیرد و از این فرصت در راه مقابله و مبارزه با رژیم سازماندهی نماید. در راستای نقش رهبری امام در بعد بسیج‌گری می‌توان از موارد مختلفی از جمله بهره‌گیری از مساجد، مراسم مذهبی، منبرها، طلاب و روحانیون جوان و انقلابی، تأکید بر مصالحه‌ناپذیری و سازش با رژیم، کوشش در جهت جداکردن بدنه ارتش از فرماندهان و سران آن، به وجود آوردن یک جو مناسب مبتنی بر عدم همکاری با رژیم در بین قشرهای مختلف و ... عنوان نمود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۵۸) علاوه بر این، آنچه که باعث می‌شد امام خمینی به عنوان یک رهبر واحد و مسلم برای همه‌ی فرقه‌ها و اقلیت‌ها برای جنبش و انقلاب مورد قبول و پذیرش قرار گیرد صدور فتاوایی وحدت‌ساز بود که شیعیان را بر آن می‌داشت تا اکراهی که نسبت به اقتدای خود به نماز اهل تسنن داشتند را رها کنند. همین دستورها و فرامین فراملی و فرادینی ایشان بود که وی را به شخصیتی جهانی در جهت اعاده حیثیت به یک کشور جهان‌سومی تبدیل ساخت. (عنایت، ۱۳۸۰: ۹۷)

یکی از گروه‌ها و اقشاری که قبل از انقلاب هیچ نقشی در امور نداشته و در تحولات سیاسی و

اجتماعی منفعل عمل می نمودند زنان بودند. با ظهور امام خمینی این قشر با تکیه بر فرامین و رهنمودهای ایشان در راه مبارزه و مقابله با رژیم شرکتی فعالانه داشتند و در این راه از جان و دل در جهت پیشبرد جنبش و انقلاب مایه گذاشتند. مواضع ضد سرمایه داری و ضد استعماری امام در این برهه سبب شد روشنفکران غیردینی (کارگران و چپی ها) نیز مجذوب ایشان شوند. این در حالی بود که خاستگاه اجتماعی اصلی ایشان را روحانیت رده پایین و طلاب و ... تشکیل می دادند.

اصطلاحات دینی مورد استفاده او در میان قشرهای حاشیه‌ی شهری که وی آن‌ها را مستضعفان می نامید، رواج یافت (فوران، ۱۳۸۷: ۵۴۴) هرکدام از گروه‌ها و اقشار به دلیلی با امام همسو و همراه شده و ایشان را به عنوان رهبر خود قبول کردند. نیروهای باقی مانده از حزب توده و چپی‌ها به دلیل مواضع ضد امپریالیستی، ملی‌ها و روشنفکران ضد استبدادی، ملی‌گرا بودن و اعتقاد ایشان به آزادی و ... را مهم تلقی کرده و توده‌های مردمی نیز مواضع محکم و قاطعانه ایشان در مقابله و مبارزه با فساد، اقدامات اصلاحی، اسلام زدایی و ... را مهم‌ترین دلیل خود برای انتخاب امام برای رهبری جنبش می دانستند. خصوصیات بارز امام از قبیل زندگی ساده و بی‌آلایش، شجاعت، رفتار بی‌تکلف، مبارزه با اشرافی‌گری و مردم‌گرایی و ... سبب شد ایشان به رهبری منحصر به فرد و قابل اطمینان برای همه اقشار در مبارزه با رژیم بدل شود. (زیباکلام، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

برخی از گروه‌ها همانند بازرگانان که به علت سیاست‌های غلط اقتصادی و اصلاحی رژیم دچار زیان شده بودند، وقتی مواضع مذهبی و مردم‌گرایانه امام را با مواضع خود همسو دیدند به آن واکنش مثبت نشان داده و نقش بسیار زیادی در تأمین منابع مالی انقلاب ایفا کردند. (فوران، ۱۳۸۷: ۵۶۵)

نمونه رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی بهترین و عالی‌ترین نمونه نظریه کاربزمای و بر در جهان معاصر است. ایشان با به وجود آوردن خودآگاهی و خودباوری در مردم و با تأکید بر مفاهیم ارزشمند اسلام (تشیع) از قبیل شهادت، جهاد، عاشورا، امام حسین، و ... و هم‌چنین ضعیف و حقیر دانستن رژیم، طیف وسیعی از نیروهای مختلف را حول محور واحد، یعنی براندازی رژیم متحد کرد. (نواختی مقدم و سرمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۴)

بنابراین امام خمینی شرایط ذهنی مردم را برای مشارکت جدی در فرآیند انقلاب و فداکاری و ایثارگری در راستای تحقق اهداف آماده کردند، و با ایجاد اتحاد و یکپارچگی و روحیه فداکاری و از جان گذشتگی زمینه بسیج توده‌ای فراگیری در تمام جامعه امکان‌پذیر شد و انقلاب با سرنگونی رژیم به پیروزی رسید.

۵) استراتژی کارizmایی (بسیج‌گرایانه) امام خمینی برای بسیج و انقلاب

۱-۵) مردم‌گرایی

اعتماد به مردم و تکیه بر پشتیبانی آن‌ها یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های استراتژی مبارزاتی امام بود. در قیام‌ها و نهضت‌های قبل از انقلاب اسلامی، رهبران جنبش‌ها یا به کلی از این عنصر غفلت نموده و یا از آن بهره بسیار اندک برده‌اند. اما در نهضت و انقلاب امام این عنصر یعنی مردم‌گرایی در بطن اصلی حرکت قرار دارد. ایشان در سازماندهی و بسیج مردم، به سازماندهی معنوی، ایدئولوژیکی و فکری و احساسات مردم اقدام نمودند. به بیان دیگر ایشان همه‌ی قوانین حاکم بر سازماندهی در نظریه‌های مختلف سازمان انقلاب را کنار گذاشته و در برابر آن‌ها در سازماندهی انقلابی خود بر عنصر اساسی اعتماد به مردم و تکیه بر پشتیبانی آن‌ها تأکید نمودند. (مهدی زادگان، ۱۳۷۸: ۱۴۶-۱۴۹)

در استراتژی مبارزاتی امام این خصلت و ویژگی آن‌چنان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد که ایشان به هیچ وجه حاضر نبودند تا ارتباط شخصی و مستقیم خود را با توده مردم از دست بدهند. مردم‌گرایی و توجه به مردم در بسیاری از مواضع ایشان به روشنی قابل مشاهده است. ایشان در اعتراض به سخنان آیت الله حکیم مبنی بر دروغ‌گویی مردم، عدم تبعیت از روحانیت، تبعیت از شهوت و ... این چنین پاسخ می‌دهند که این مردم که از جان و مال خود گذشته و درد و رنج بسیار را تحمل کرده‌اند و شکنجه و تبعید شده‌اند و ... چگونه امکان دارد دروغ بگویند و یا به دنبال شهوات خود باشند. (روحانی، ۱۳۵۶: ۱۵۱-۱۵۲)

ایشان در راه حمایت از مردم و ارتباط با آن‌ها هرگونه مانعی که سبب جدایی از مردم شود را کنار می‌زدند. روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۴ به نقل از سید محمود دعایی می‌نویسد؛ در زمان تبعید امام در عراق، دولت ایران از مقامات امنیتی عراق درخواست نموده که تماس‌ها و ارتباطات مستقیم امام خمینی با پیروانش باید کاهش یابد و یک مقام امنیتی عراق این مسئله را به امام اینگونه بیان می‌کند که شما در کارها و فعالیت‌های خود آزادید، ولی باید طوری رفتار کنید که سخنان و پیام‌های شما از عراق انعکاس پیدا نکند، بدین منظور می‌توانید از یک سخنگو در عراق استفاده نمایید؛ چراکه ما در مقابل دولت ایران مسئول هستیم. امام در جواب این مسئول عراقی اینگونه پاسخ می‌دهند که: «آنچه تأثیر دارد موضع شخص من است و موضع خود من مطرح است و این صحیح نیست که من سکوت کنم و دیگران از جانب من صحبت کنند..» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

۲-۵) تأکید بر ارتباطات و آگاهی بخشی

از نظر امام خمینی، به حرکت درآوردن مردم، با آگاهی بخشی به آن‌ها امکان‌پذیر بود. از این نظر، بین میزان آگاهی و رشد فکری مردم از یک سو، و میزان مشارکت آن‌ها در حرکت انقلابی از سوی دیگر، هم‌بستگی مثبتی وجود داشت. «با همه‌ی مصیبت‌ها، بیداری ملت مایه‌ی امید است ... شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنانه، نمونه‌ی بیداری و پیروزی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۰۱) «از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود، مواجه با مخالفت ملت می‌شود، رشد ملت است که حزب ساختگی شاه را با آن همه رعد و برق و عربده رسوا کرد، شاه را گرفتار آشفتگی و هیجان کرد...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۱۳) «... بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید؛ زنده شوید و مردگان را حیات بخشید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۱)

این استراتژی، احتمالاً برگرفته از الگوی انبیا و نهضت پیامبران بود، چراکه این حرکت‌های تاریخی، باید مشروع‌ترین و قابل تقلیدترین شمای سیاسی در ذهن امام برای طرح‌ریزی استراتژی انقلاب بوده باشند؛ هم‌چنان که در تأکید نقش تبلیغ و آگاهی بخشی، خطاب به طلاب می‌گوید: «برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از مهاجرت به مدینه، روزهایی که در مکه به سر می‌بردند، فقط تبلیغ برای خدا و معرفی ذات مقدس حق تعالی و معرفی اسلام بود ... و همان‌طور که در قرآن ملاحظه می‌فرمایید، سوره‌هایی که در مکه نازل شده فقط جنبه پند و موعظه و معرفی اسلام را دارد و از جنگ و جدال صحبتی نیست.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۱۰). بر اساس این الگو، که می‌توان آن را الگوی انسان محور نامید، برای امام بسیار مهم بود که به حداکثر ممکن، انسان‌های بیشتری را نسبت به فجایع و خرابی‌های اوضاع آگاهی دهد، آن‌ها را به اهمیت اسلام و قابلیت‌های آن در حل مسائل سیاسی و اجتماعی واقف سازد، و سرانجام، آن‌ها را در حرکت دسته جمعی علیه شاه وارد سازد. تأکید ایشان بر رفع اختلافات و ایجاد وحدت نیز با همین منظور بود و به همین دلیل تأکید داشت که در امر مبارزه، از دست ندادن حتی یک نفر هم بسیار مهم است. پیام‌های ایشان به حجاج، دعوت به احیای مساجد، محافل و نهادهای مذهبی توسط مردم، تأکید به علما مبنی بر حفظ سنگر مساجد و منابر و نهاد روحانیت، در خواست از مراجع برای صدور فتوی و تحریم، همگی در راستای همین استراتژی انسان محور و تلاش برای آگاهی بخشی بود. (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۸۸-۲۸۹)

۳-۵) مقاومت منفی و تأکید بر عدم خشونت

هدف امام ایجاد یک تغییر و تحول گسترده و عمیق در افکار و اذهان جامعه نسبت به اسلام و نیز عدم مشروعیت و ناکارآمدی رژیم بود و به همین دلیل یک استراتژی بلند مدت مبتنی بر روش‌ها و برنامه‌های آرام و فکری برای به ثمر رسیدن اهداف خود در نظر گرفته بود. هدفی که با مبارزات مسلحانه و افراطی و رادیکالی هیچ سنخیت و هم‌خوانی نداشت. چراکه اقدامات مسلحانه و رادیکالی برای تغییرات بنیادی و عمیق کارآیی نداشته و می‌توانست مسیر موفقیت نهضت را با خطرهایی مواجه سازد.

اما در روش مقاومت منفی انقلابیون به دنبال حقوق از دست رفته خود بوده و از بین بردن و نابودی ظلم و ستم را مطالبه می‌کنند. در واقع بکارگیری این روش این احساس را در مردم تقویت نمود که انقلاب اسلامی با هیچ کس به دنبال جنگ و کشت و کشتار نیست. به علاوه انقلابیون احساس حق به جانب داشته و احساس می‌کنند مورد ظلم و ستم قرار گرفته و باید از خوددفاع کنند و انسانی که در حال دفاع کردن باشد از نظر روانشناسی، از انسان مهاجم و جنگنده به لحاظ روانی بهتر و قوی‌تر عمل می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۹۱) به علاوه، چنین احساسی باعث می‌شود که وهم و ترس مردم کوچه و بازار از کشتار و خون‌ریزی، تا حدودی کاهش یابد، چون معمولاً طرح شعارهای افراطی در این‌گونه مواقع باعث می‌شود تا مردمی که اعتقاد و سرسپردگی کافی به آرمان‌های انقلابی ندارند، از وحشت درگیری‌ها و صدمات احتمالی، صحنه را پیشاپیش خالی کنند. از همه مهم‌تر اینکه از نظر ناظران طرف سوم (مانند خارجی‌ها، خبرنگاران، و مردم بی‌طرف داخلی) مشاهده‌ی صحنه‌ی رویارویی‌ای که در آن، یک طرف فقط حرف می‌زند و طرف دیگر از اسلحه و قدرت و زور استفاده می‌کند، به طور طبیعی به معنای بر حق بودن و مظلوم واقع شدن طرف غیر مسلح است، چون فرض بر این است که طرفی که دارای حرف حساب است، به استفاده از اسلحه نیاز ندارد. این در حالی بود که اگر انقلابیون از همان ابتدا دست به اسلحه می‌بردند، دستگاه تبلیغاتی رژیم به راحتی می‌توانست صحنه را به صورت مقابله‌ی نیروهای ضد شورش با گروهی شورش‌گر مسلح جلوه دهد و حمایت‌های خارجی و بین‌المللی از شاه را حفظ کند.

اما استراتژی عدم خشونت و مقاومت منفی، تأثیر کاریزمایی مهم‌تری نیز همانند آنچه که محققان در مورد گاندی شناسایی کرده‌اند، داشت. این تأثیر، خویش‌داری در برابر وسوسه‌ی دست زدن به خشونت در محیطی آکنده از قهر و روحیه‌ی نفرت و خصومت حاصل از قطب‌بندی انقلابی - ضد انقلابی بود. در مورد امام نیز تأثیرات کاریزمایی مشابهی می‌توان مشاهده کرد. ایشان باید رفتار

انقلابی مردم را به گونه‌ای هدایت می‌کرد که از حالت اعتراض کنترل شده خارج نشود. منظور از اعتراض کنترل شده آن است که مردم باید با مشارکت در راهپیمایی‌ها و سردادن شعارهای انقلابی، اعتراض خود را به رژیم بیان می‌کردند. در هر برهه از حرکت انقلابی، چنین رفتاری ممکن بود به یکی از دو حالت افراطی، صلح طلبی بیش از حد و یا خشونت، میل کند و حرکت انقلابی را از مسیر پیش‌بینی شده‌ی خود خارج سازد. به ویژه آنکه نیروهایی هم در صحنه حضور داشتند که حرکت انقلابی را به یکی از دو سوی افراطی سوق می‌دادند. از یک سو نیروهای ملی‌گرا و اصلاح‌طلب در پی آن بودند تا با پی‌گیری استراتژی فشار - امتیازگیری، حرکت انقلابی را تا حد راه‌پیمایی قابل تحمل برای رژیم (مانند راه‌پیمایی تاسوعای ۱۳۵۷) تخفیف دهند و کاری نکنند که به برانگیختگی نیروهای رژیم منجر گردد؛ از سوی دیگر، نیروهایی وجود داشتند که با انگیزه‌های مختلف و با طرح شعارهایی مانند «رهبران، ما را مسلح کنید»، از استراتژی عدم خشونت امام انتقاد می‌کردند. به این نیروها باید فشارهای پنهانی رژیم برای به خشونت کشاندن حرکت انقلابی را نیز اضافه کرد، که آتش سوزی سینما رکس آبادان و آتش سوزی خیابان‌های تهران در آبان ۱۳۵۷ از جمله نمودهای آن بود. به رغم این فشارها، امام همچنان بر اعتراض غیرخشونت‌آمیز تأکید داشت و جمعیت مشارکت‌کننده در حرکت انقلابی نیز این استراتژی را چنان رعایت می‌کرد که در جواب کشتارهای ارتش، به سربازان آن گل هدیه می‌کرد. (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۹۱-۲۹۳)

۴-۵) ابراز هم‌دردی با مردم و اعتماد به آنان

ابراز هم‌دردی و هم‌ذات‌پنداری با مردم در گفتار و رفتار از عوامل مهم و تأثیرگذار در جذب گسترده مردم و بسیج شدن آن‌ها در جنبش‌ها و حرکات انقلابی است. رهبران انقلاب‌ها و جنبش‌ها از این گزینه برای بسیج وسیع توده‌ها و اقشار مختلف بهره فراوان می‌برند. چراکه این عمل، هم‌دردی و همراهی هر چه بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت. امام خمینی نیز به عنوان رهبری انقلابی با توجه به شناخت عمیقی که از قلوب آزرده و دل‌های رنجور و مجروح مردم از تکبر و ستم رژیم حاکم در قبال آن‌ها و فاصله بسیار زیاد حکومت با مردم داشت، در مراحل مختلف مبارزه به ابراز هم‌دردی و هم‌ذات‌پنداری با آنان به خاطر تحمل مشکلات و مصائب گوناگون، اقدام می‌نمودند. این عمل شایسته امام موجب اعتماد بیشتر مردم با ایشان و همراهی هر چه بیشتر و فزاینده آنان با امام و انقلاب در راه مبارزه با رژیم شد.

ایشان در راه رسیدن به هدف و مقصد خویش که همانا نابودی رژیم و حاکمیت جمهوری

اسلامی به جای آن بود از موارد و عبارتهای بسیاری در بیانات خود در جهت همدل و همراه کردن مردم با انقلاب استفاده نمودند. عبارتهایی مانند رابطه صمیمانه و دوستانه روحانیت با مردم، وفاداری و تکیه مردم به روحانیت، اعتماد و اطمینان به جوانان برای ساختن آینده، تأکید بر آگاهی و بیداری نسل جوان، تشکر و قدردانی از مردم و ابراز هم‌دردی با آنان، اذعان به وضعیت نامطلوب اقتصادی و معیشتی از جمله فقر و بیکاری و ...، ابراز علاقه‌مندی به مردم، تمجید و تجلیل از فداکاری و پای‌بندی ملت، تواضع در برابر مردم، بالا بردن شأن و پایگاه مردم در حد و اندازه رهبر انقلاب و ...، مبارزان و انقلابیونی همدل و همراه پرورش داد. (کریمی، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۴) به عنوان مثال اظهار داشتند:

«و من عاجزم از این که تشکر کنم از جمیع ملت‌های مسلمین، اسلام؛ تشکر کنم از ملت بزرگ ایران، جمیع اصناف، جمیع طبقات، این‌هایی که با ما همکاری کردند، این‌هایی که در غم ما غم خوردند» (موسوی خمینی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۳۰۵)

۵-۵) بهره‌گیری از ادبیات و آیین‌های نمادین مذهبی برای بسیج سیاسی مردم

تشکیل شبکه‌های اجتماعی منسجم و سازمان یافته ضد قدرت حاکم و بهره‌گیری مناسب رهبران جنبش‌ها از مراسم مذهبی و نمادین از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد انگیزش در شرکت کنندگان در جنبش‌ها و حرکات اجتماعی است که می‌تواند با آفرینش احساس هویت جمعی و ... سهم به‌سزایی در موفقیت و پیروزی حرکات انقلابی ایفا نماید. در اندیشه صاحب‌نظران، فضاها و شبکه‌های باعث ایجاد اجتماع و این اجتماع مبتنی بر با هم بودن است که برای غلبه بر ترس و درگیر شدن در جنبش‌ها و حرکات دسته جمعی و انقلابی لازم و ضروری است. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۷)

امام خمینی با استفاده و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آیینی و نمادین فراوانی که در دین اسلام و مذهب تشیع وجود دارد و برای بسیج‌گری و مبارزه‌جویی بسیار کارآمد است، توانست مبارزه را به طرز موفقیت‌آمیزی تا سر منزل پیروزی راهبری و هدایت نمایند. ایشان با اعلام عزای عمومی در روز عید به مناسبت ۱۵ خرداد، استفاده از نمادگان مذهبی، توصیه به ساختن مساجد و نمادهای دیگر دینی، برگزاری نماز جماعت، گرم ساختن محافل دینی و ... کوشش بسیاری در جهت فعال-سازی مساجد به عنوان مأمن اصلی مبارزاتی مردم، و همچنین با تمسک به آیین‌های مذهبی و معنوی تشیع، انرژی مضاعفی به وجود آورده و رژیم پهلوی را به ورطه‌ی نابودی بکشاند. (کریمی،

«آقایان سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید، تبلیغات مذهبی بکنید، مسجد بسازید، اجتماعاً نماز بخوانید، تظاهر به نماز خواندن بکنید» (موسوی خمینی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۲۶۷)

«مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجهز نگهدارید» (موسوی خمینی، ج ۲، ۱۳۸۶: ۴۵۱)

نتیجه‌گیری

انقلاب‌ها در جوامع آثار و نتایج نهان و آشکاری را به جای می‌گذارند و بر اساس شرایط مختلفی شکل می‌گیرند. در انقلاب‌ها علل مختلفی تأثیرگذارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نقش رهبری است که به عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم در نقش بسیج‌گری مردمی بسیار حائز اهمیت است. بدین منظور در این مقاله به نقش رهبری امام خمینی در خصوص بسیج‌گری مردمی پرداخته شد. در واقع این مقاله در پاسخ به این سوالات است که امام خمینی چگونه توانست به بسیج مردمی علیه رژیم دست بزند و در این راه از چه استراتژی‌هایی بهره برد؟ لذا در جریان انقلاب اسلامی ایشان با ادبیات بسیار ساده خود غنی‌ترین و با ارزش‌ترین مفاهیم سیاسی - اجتماعی را حتی برای بی‌سوادترین افراد جامعه در دوردست‌ترین نقاط کشور عرضه می‌نمودند، و با آگاهی دادن و خودباوری به آن‌ها و تکیه بر اسلام‌گرایی و نهضت ضد رژیم پهلوی به بسیج طیفی گسترده از توده‌ها پرداخت. در واقع در سیره مبارزاتی ایشان همه طیف‌های جامعه با پذیرش رهبری بی‌بدیل امام حول یک هدف واحد یعنی براندازی رژیم متحد شدند و تجلی آمالشان را در سقوط پهلوی به رهبری امام خمینی دیدند. نفوذ کلام امام در بین روحانیت، توده مردم، بازاریان و ... بسیار بالا بود، هرکدام از گروه‌ها و اقشار به دلیلی با امام همسو و همراه شده و ایشان را به عنوان رهبر خود قبول کردند. نیروهای باقی مانده از حزب توده و چپی‌ها به دلیل مواضع ضد امپریالیستی، ملی‌ها و روشنفکران ضد استبدادی، ملی - گرابودن و اعتقاد ایشان به آزادی و ... را مهم تلقی کرده و توده‌های مردمی نیز مواضع محکم و قاطعانه ایشان در مقابله و مبارزه با فساد، اقدامات اصلاحی، اسلام‌زدایی و ... را مهم‌ترین دلیل خود برای انتخاب امام برای رهبری جنبش می‌دانستند. خصوصیات بارز امام از قبیل زندگی ساده و بی - آرایش، شجاعت، رفتار بی‌تکلف، شم بالای سیاسی، مبارزه با اشرافی‌گری و مردم‌گرایی و ... سبب شد ایشان به رهبری منحصر به فرد و قابل اطمینان برای همه اقشار در مبارزه با رژیم بدل شود. در

زمینه مبارزه و روش‌های مبارزاتی نیز ایشان به عنوان یک استراتژیست با تکیه بر قدرت کارزمایی و بسیج‌گری خود استراتژی‌های مختلفی از قبیل همذات‌پنداری با مردم و اعتماد به آنان، بهره‌گیری از ادبیات و آیین‌های نمادین مذهبی برای بسیج سیاسی مردم، تأکید بر ارتباطات و آگاهی‌بخشی، مردم‌گرایی و مقاومت منفی و تأکید بر عدم خشونت را به کار گرفت و توانست طیف عظیمی از اقشار مختلف را علیه رژیم بسیج نماید و سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب را به پیروزی رساند.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: کاظم فیروزمند، محسن مدیر شانه‌چی و حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز
۲. احمدپورترکمانی، بابک. (۱۳۸۹). «در سیر حول ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی ایران». پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد. جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی. دانشگاه شاهد. دانشکده انسانی.
۳. احمدی، حسین؛ جوان، مصطفی. (۱۳۸۹). «رهبری امام خمینی در فرآیند انقلاب اسلامی ایران». مطالعات راهبردی بسیج. شماره ۴۶. صص ۸۵-۱۱۴.
۴. اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰). *نقش رهبری در نهضت مشروطه - نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. باتامور، تی.بی. (۱۳۸۲). *نخبگان و جامعه*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر شیرازه.
۶. بشیریه، حسین. (۱۳۷۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). *انقلاب و بسیج سیاسی*، چ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۸. پناهی، محمد حسین. (۱۳۹۳). *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند، پیامدها*. تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم
۹. حسینی، حسین. (۱۳۸۸). *رهبری و انقلاب. نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی*، تهران: نشر عروج، چاپ دوم.
۱۰. حسینی، حسن (۱۳۸۱). *رهبری و انقلاب، نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی*، انتشارات: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۱۱. رجایی، غلامعلی (۱۳۹۲). *برداشت‌هایی از سیره امام خمین، ج ۴*. تهران: موسسه نشر عروج (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)
۱۲. روحانی، حمید (۱۳۵۶). *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، قم: انتشارات دارالفکر، ج اول
۱۳. زیتلین، موریس (۱۳۷۵). *انقلاب کوبا، انقلابی بدون برنامه مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها*، تدوین لورنس کاپلان. ترجمه محمد عبداللہی. تهران: انتشارات علامه طباطبائی.
۱۴. زیباکلام، صادق (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز انتشارات روزنه
۱۵. عنایت، حمید (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی اسلام معاصر*، مترجم بهالدین خرمشاهی، تهران: نشر خوارزمی
۱۶. فوران، جان (۱۳۸۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، مترجم احمد تدین، تهران: انتشارات رسا
۱۷. فوزی، یحیی (۱۳۸۴). *تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، تهران: نشر موسسه چاپ و نشر عروج (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)
۱۸. -کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). *شبکه‌های خشم و امید؛ جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*، مترجم مجتبی قلی‌پور تهران: نشر مرکز.
۱۹. -کریمی، علی (۱۳۹۴). تحلیل رهبری امام خمینی علیه السلام در جریان انقلاب اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احساسات، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۴۶-۲۳
۲۰. -کوهن، آلون استانفورد. (۱۳۶۹). *تئوری‌های انقلاب*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
۲۱. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). *انقلاب اسلامی (زمینه‌ها و پیامدها)*، قم: نشر معارف. چاپ اول.
۲۲. معین، محمد (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی معین*، ج اول. چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات امیر کبیر
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی*، جلد اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). *صحیفه امام؛ نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی*، نسخه

سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۲۵. مهدی زادگان، داود (۱۳۷۸)، "بررسی تاریخی در مؤلفه‌های موفقیت امام خمینی"، فصلنامه حضور، زمستان.

۲۶. نواختی مقدم، امین و سرمدی، حمید (۱۳۹۴). "بررسی نقش تطبیقی امام خمینی و دکتر

شریعتی در بسیج انقلابی سال ۱۳۵۲". فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره

۱۵. صفحات ۱۹۳-۲۰۸

۲۷. هافر، اریک. (۱۳۷۲)، *پیرو و آستین*. ترجمه فیروزه خلعت‌بری، تهران: نشر شباویز.

28. Green. Thomash.(1990). *Comparative Revolutionary Movements*, third Edition. New jersey: prentice- Hall.